

نویسندگان

سال چهارم، شماره ۷۳، شنبه ۱۶ آبان ۱۳۵۷

(وابسته به حزب توده ایران)

(شماره ۵ ریل)

مسائل انقلاب ایران

نظری به پیام آقای مهندس بازرگان

این مطلب را آقای بازرگان در مدت کوتاهی نخست وزیري بارها و بارها تکرار کرده و کار را به چایی رسانیده است که هم اکنون در مطبوعات و مطبوعات و مطبوعات می چسبند که باید به آقای مهندس بازرگان فرصت داد:

به نظریان نیست دادن بی خبری به مردم ایران و ادعای این که آن را به جمع کارها و دستکاری بیخبریت و آفند نیستند تا قبل فوراً از تصاف است. مردم ایران آنگاه مندی دادند که کارهای چند وقت می خواهد. بر خلاف آنچه آقای مهندس بازرگان با مردم ایران می بیند، ما هرگز نتوانیم به آن که در جای مردم ایران اتفاقاً در عرضی مطرح کرده انجام آن را به طرفه الامین خواست باشد، که انجام آن مستلزم فرصت است. مردم با دانند که ریشه کن کردن آثار رژیم سابق و ساختن ایران آید و از دولت می خواهد. به طریق اولی ما را با و احزاب مشغول در آنجا می دانند که کار درجه مدت زمانی شدنی است. از جمله ادعای مهندس حزب توده ایران با راهی این مطلب اشاره شد و از جمله در گزارش هیئت اجرا شده حزب ما به پنجم گنجینه مرکزی آهسته آهسته است که:

باید از طرح شعارهایی که در مرحله کنونی تکامل یافته، ایران نیروی ملی و دینی و ملی را خودداری کنیم و سایر نیروهای انقلابی را نیز از طرح اینگونه شعارها برحذر داریم.

روز چهارشنبه ۲۲ آبانماه آقای مهندس بازرگان در نشست وزیر دولت وقت انقلابی بیجا صبی خطاب به مردم آزاد و سیاسی ایران فرموده که در آن با کشور و بیبانی های غریب و بیبانی از مسائل پیچیده انقلاب ایران را مطرح کرد.

این پیام از بسیاری جهات قابل بررسی است: از راه آن می توان به مضمون دولت وقت و نقطه نظرهای سیاسی آقای مهندس بازرگان در پیوسته انقلاب ایران بی خبری و بیخبری را و تقاضای فرصتی یافت.

اما در زیر نظری به این پیام می اندازیم و در مسائل اساسی آن که در واقع مسائل انقلاب ایران است - نظریه نظر خود را بیان می داریم. از اینجاست که از مهندس بازرگان می بینیم که سر تا سر غریب از مردم شکره دارند که گاه سخن این شکره نیز بسیار رهنمونش دارد است. ایشان می گویند:

"بی سببند این نظری است! می گویند که انقلاب، انقلاب، انقلاب، بگ انقلاب، بگ که می خواهیم بکنیم برمی خوریم به این مشکلات. مگر انقلاب را باید دولت بکنند و ملت نبا بد انقلاب کند؟"

بعضی ها، اغلبی ها بی (۲۲) تصور می کنند انقلابی بوده و بریزند. خودشان را فاتحیتی می دانند که وارد یک سرزمین شکره شده و از دست می گیرند. مگر می کنند گاری اصلاً ندارند و بریزند بر این کشور و تقسیم بکنند و بعد هم راحت بکنند و بیخبرانه بکنند. نتیجه ای که نخست وزیر دولت وقت انقلابی از این وضع می گیرد است که:

نه سهار، نه با ملاحظ کردیم دیگر از از این فقط چاشنی کنیم. دیگر ما انقلاب نمی کنیم!"

آیا واقعاً این طور است؟ آیا واقعاً مسرود از اقدامات انقلابی دولت موقت نمی کنند و فقط در این فکرند که بر سر زمین شکره بکنند و بعد هم راحت بکنند و بیخبرانه بکنند؟ اگر کنیم با بدگوشی آفریننده ای که قدری هم تصاف خوب چیزی است.

دولت موقت انقلابی ایران در آغاز کار مورد توجه ترین پشتیبانی ممکن در داخل و خارج کشور قرار گرفت. در تاریخ معاصر هیچ دولتی به اندازه دولت موقت انقلابی مورد پشتیبانی نبوده است. حتی دولتی دکتر محمد در آغاز چندی پشتیبانی و آلبانی و روبرو نیست. همه ما زمان های ملی انقلابی ایران بدون استثنا - شاید با شدت و ضعف - ولی بدون استثنا - حمایت خود را از دولت موقت اسلام کردند. حتی حزب توده ایران که برای اسلام حمایت از دولت موقت را و خوب بسیار روزی می دارد. از همان نخستین روز پشتیبانی خود را از همه اقدامات مترقی دولت موقت اعلام داشت و بدان عمل کرد. اقدام دولت برای اخراج مستشاران آمریکا بی خروج ایران از ستنده، کاهش خرید تسلیحات، اقدام دولت برای فروش مستقل نفت، اقدام دولت علیه خاندان ننگین پهلوی، فساد سازمان بازرگان ایرانی از زمان - حمایت از مبارزات خلق فلسطین، اعلام آزادی مطبوعات و بیان - با وجود اینکه می نفس نیست - و نظایر اینها انجام دادند و استقبال مردم همه سازمان های انقلابی روبرو شد.

پس چگونه نخست وزیر از هیئت؟ به چه سبب و پشتیبانی به درجه حدود درجه زمینه های نیاز دارد؟ با کمی دقت در پیام نخست وزیر می توان پاسخ ایس برایش را یافت و متوجه شدیم که آقای مهندس بازرگان ما را با این است احرا کند: آن سبب است که مردم خود را رند و با وجود اینکه مردم آماده اند از همه اقدامات مترقی و عملی انقلابی دولت حمایت کنند و در راه آن بکوشند. عملاً شور و هیول و پیشرویی و پیشرویی دوران سازندگی را ندارند. چرا که تسلیحات و امنیت حرکت دولت را متوقف با سبب است. فاسد و اجتناب انقلابی خود می بیند آقای مهندس بازرگان به جای تغییر سیاست دولت، از هیئت می شکند و از مردم شکو می کند.

صبر و تدبیر

یکی از گله های اصلی نخست وزیر دولت موقت این است که مردم صبر ندارند. می خواهند که کارها یک روزه حل شود:

هرگز در هر جای مملکت است می خواهد آنده سابق زور می این آدم کشنده حقش با همسال شده این به طرفه الامین چون انقلاب نشده هرت بشود.

آخرین شماره «نویسندگان»

دو ماه پس با ربا برد و همراست است. با انتشار هفتاد و سومین شماره، هفته نامه نویسنده دوران مبارزه ۲ ساله خود با این می دهد و با این و همزمان "نویسندگان" به مرخصی می رود و به کار می پیوندد. انتشار نخستین شماره "مردم" ارگان مرکزی حزب توده ایران در شرایط فعالیت مطبوعاتی بسیار سخت و دشوار است. از زمان های سیاسی که به بین انقلاب می رسد به حضور می بیند ما به بار آمد لزوم حضور "نویسندگان" به صورت ما می که متناسب با فوریت های مبارزه زیرزمینی بود. از همان بر داشت. "نویسندگان" جنبشی از نمای مردم زیربزم و تنظیم نا پذیر است. تنها نشیبه منظم سیاسی داخل کشور در دست ترین شرایط ترور و اختناق و نا ضروری بود. اینک به صورت شاخه ای به درخت مهری به ما در پوشش "نامه سرد" جوش می خورد. چرا که خود را از آثار ریشه های سرسبز افراشته از ریشه ریشه های این درخت خنک و سرد. امید که هرگز در می بیند ما از چنانی فریاد خنک نشود که فوراً انتشار "نویسندگان" و "نویسندگان" زیرزمینی را ایجاد کند که هرگز از ریشه های سرسبز و تندرست و طبعیت و آزادی، با چهره ای تازه به صورت یک نشیبه آرزو دار و در مجال سخن گفتن بسا شمارا با بیاد و این وقفه ای که در انتشار آن می اندر می بیند. به جاست که از این فرصت بسیار تهنیت گفتن صمیمانه و رفاقتی به مناسب است. انتشار دوره جدید "مردم" در شرایطی استفاده کنیم - با این بیان که "مردم" در راه مردم و آرمان های وائی شوکه از سرچشمه تا فخرترین جهان بیینی علمی صبر ما سراب می شود. نویسنده روز افزون می آید.

مطلبی ها ایرانی روبرو شده، افکار رهرو می رسد م شوخ و فخران ایران راهم به سوی خود جلب کند. انقلاب این حق را دولت می دهد. مردم این حق را به دولت می دهند. سازمان های انقلابی نیز منتظر و درنگ ندارند. اما دولت آقای بازرگان پس از این همه تلاش و زحمت که مردم کشیده اند - سود را به میل غریبی مشروط کرده است.

سرکوب ضد انقلاب یا در پناه گرفتن آن

دو سرکوب در حقوق و وظایف دولت موقت انقلابی هم در کار سرکوب ضد انقلاب هم در کار سرکوب زینا است به چشم می خورد. مردم خود را سرکوب تا قطع بقایای رژیم سابق بکنند و آقای مهندس بازرگان مخالف آن.

در پیام روز چهارشنبه، آقای بازرگان اصرار عملی چنانی رژیم سابق را بی "رسمی" از روبرو می نماید. در دنیا، نامید، چرا؟ ظاهراً به این دلیل که محاکمات انقلابی علیه نیست و معامع بین المللی و فشاری کنار - که آقای بازرگان نام این امر را نبرد - به دولت مترقی کرده اند.

قبل از هر چیز باید آوری کنیم که ما هم به نویسنده خویش دوستیم بودن محاکمات انقلابی را تا شکر کنیم دادگاه های انقلابی با عدلیت می آید. چنانکه رژیم شاه سابق با بدرفتاری مردم و با حضور قربانیان و نواغده های آنها محاکمه شوند و در باره چنانیات هر یک توضیحات کافی به مردم داده شود. باید دادگاه آن را به هر ضعیف برای سرکوبی سلبای رژیم شاه - علیه سازمان های جاسوسی امپریالیستی و صهیونیستی بدل کرد و افکار رهرو مردم جهان را از چنانیات آن بی خبر نمود.

به علاوه دو محاکمات ترمیم بگنجی با این که در حق بدترین دشمنان نیز چنانی عدل حفظ شود. اگر آنقدر دینست و زبروا همانی بود که چنانی دادگاه ها علیه نیست، به طریق اولی اگر آنقدر دینست وزیر دولت موقت این بود که چرا گنجینه های انقلاب با قاطعیت با زلم پیشتری کار نمی کنند، با او صمدان سر شدم، و هم متناسبه چنانی نیست. آقای مهندس بازرگان با وجود اینکه روبرو با پستی را کنار گذاشت و از کمیته دادگاه های انقلابی انتقاد کرد. به هیچ وجه به چنانی صمیمیت آنها را نداشت. برعکس از این کمیته ها دادگاه ها را به سبب گناه های منتهی می کند، و نه کارهای منتهی گناه می کنند. مورد انتقاد قرار داد.

چنین سرخوردی و لواط هرا راجحه ای عهد داشته باشد، نیز سزاوار است که شکر می باشد و اقتضا خواهد بود که بر سرکوب ریشه های رژیم سابق و هر کس پیوند های آن با سازمان های جاسوسی و سرکوب شوند. روشن تر صحبت کنیم: با سلبای دادگاه علیه حیات و خطرات پهلوی مدارا می شود و این بسیار خطرناک است. اقتضای او را که همزاد زبروی محرفی شده اند و هیچ کسی دادگاه صفا به آن را میسازد. از این که سرورهای انقلابی که می رسد و امکان هست باشد. آنچه مطبوعات و ارگان موجود و دولتی است. آنچه قابل انگار نیست است. که دولت و قوت حزب توده ایران و اهمیت همه سازمان ها و کارها با یک دینار در صفا

دولت موقت انقلابی یا دولت مشروطه

اگر خواست های مردم را از هر گوشه کشور که آمده باشد با دولت و تصمیمات برمی کنیم به ندرت ممکن است به تقاضای بی خبری و غیر انقلابی و حاصل ناکامی می باشد. بدون تردید خود آقای مهندس بازرگان نیز نمونه ای از فرصت خدای و گرفته در مقام خود آن را کرده.

پس مسئله بر سر چیست؟ مسئله بر سر تفاوت نظری است که میان آقای مهندس بازرگان و خود "مردم" ایران بر سر قدرت ما هست و وظایف دولت موقت انقلابی وجود دارد.

آقای مهندس بازرگان نه فقط وظایف دولت موقت را به دستا و بر موقت بودن بسیار رها می رسد و در می گوید، بلکه با کمال تا تک دولت خود را اصولاً دولت انقلابی نمی دانند و فقط دولت موقت را می بیند. این است که دولت موقت از همان نظام مشروطه است. معنای طبعیت "دولت انقلابی" - حق ندارد از نقشه ای که صورت شده استفاده کند - پس از دولت و دارد در همان نظام سابق "و قوانین موجود" عمل می کند.

اما مردم انقلاب کرده اند: یک رژیم استبدادی فدیله را سرنگون کرده و دولت موقت انقلابی روی کار آورده اند. به حق منتظرند که این دولت انقلابی با شدت و مشروطه منهای طبعیت - مردم می خواهند این دولت قوانین ارتعاشی و وظایف مصالح مردم که سابق رژیم سابق بوده براساس دینار یکسر است. آن عمل کنند.

اگر قوانین سابق معضرتا شده که جای اقتضای بازرگان در نیست و زبری نیست. تکیه بر قوانین موجود و گوشه ای اطلاع نسبی و قدری بی خبری ز جوانب بسیار رهنمی حکومت کار انقلاب نیست، کار رژیم از بالاست. در ایران انقلاب شده: مردم چنانی در شب و تاب بوده اند. و یکسال از خیر و ادرت و نبرد داشتیم روبرو می رژیم سابق که گرانده اند و سرانجام آن را سرنگون کرده اند. این مردم حکومت انقلابی می خواهند، نه "مشروطه" طبق قوانین موجود.

نه انقلاب ایران نخستین انقلاب دیست و نه دولت موقت آقای بازرگان نخستین دولت از این نوع. همه دولت های موقت انقلابی که از این سرورزی انقلاب بر سر کار می آید، همه آنها سرکوب شده دارند. بلکه موقت که قوانین رژیم سرنگون شده را برپا می کنند. دولت موقت انقلابی، وضعی حصول وائی انقلابی باشد. هر چقدر قانون و هر چقدر سیاست دولت موقت انقلابی حق دارد و موقت است که عدم هائی را که در رژیم سابق بر مردم رفته در یک طرفه الامین و با صدور حکم از میان بردارد و با بهر تدبیر و تریوشم رهنمی. یعنی معوا می آید و راه را می آورد.

ما انقلابیون بزرگ فرانس به این دلیل در تاریخ ثبت شده است که طبق قوانین موجود عمل کرده اند، بلکه به این دلیل که با هر حکم صدقانون و فرمان دوران استبداد در کشیده اند. ما و وزیر در برابر انقلابی. دولت موقت است. انقلابی اگر بخواهد به آسانی می توان تصمیمات بسیار بزرگ و قاطع و تاریخی بگیرد و با تا شکر هلد.

